



دکتر رشید انصاریان

عضو هیأت علمی بازنشسته دانشکده حقوق و علوم سیاسی

سال بازنشستگی: ۱۴۰۱

اینجانب رشید انصاریان در اول مهر ۱۳۳۵ در شهرستان شادگان (استان خوزستان) از پدر و مادری مهربان به دنیا آمدم. اولین فرزند خانواده و بسیار دردانه و پر شیطنت. از خاطرات خوب دوران کودکی‌ام شنا در شط و دویدن در نخلستان بود. من دوران دبستان و دبیرستان را در همان شهر گذراندم و همزمان زبان عربی و فارسی را یاد گرفتم. بسیار پر تلاش و درس‌خوان بودم، علاقه زیادی به کتاب و کتابخوانی داشتم. بسیار درس می‌خواندم و همیشه مشکلات درسی همکلاسی‌هایم را رفع می‌کردم، به آنان درس می‌دادم و معلم دوم آنان بودم. سرکلاس زیاد سوال می‌کردم و به پاسخ‌های معلمان قانع نبودم و آنان همیشه از من دلخور می‌شدند. دبیرستان را در رشته علوم انسانی به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۳ در آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌ها شرکت کردم از قبل آمادگی داشتم، یادم

می‌آید از صبح به نخلستان (در گرما) می‌رفتم و آن قدر راه می‌رفتم و می‌خواندم که مسیر بین دو نخل صاف شده بود. اما با این حال، وقتی آن روز ساعت ۸ صبح اخبار رادیو نام مرا به عنوان نفر اول کنکور سراسری در علوم انسانی خواند فکرش را هم نمی‌کردم. «رشید انصاریان از شادگان نفر اول گروه علوم انسانی» صدای پدرم را شنیدم که می‌گفت: شنیدی و من در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

از شادگان به تهران آمدم، تحول بزرگی در زندگی‌ام بود. از بدو ورود به تهران، مشغول خواندن و مطالعه شدم و هر ترم با معدل عالی قبول می‌شدم. دوره لیسانس را ۳ ساله به پایان رساندم و نفر اول دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. در دوران تحصیل در تهران، کلاس خصوصی (درس عربی) هم تدریس می‌کردم، درآمدی بود برای کمک خرج زندگی‌ام. همزمان زبان انگلیسی و زبان فرانسه را به صورت خودآموز می‌آموختم، زبان فرانسه را به کمک زبان انگلیسی یاد گرفتم.

در سال ۱۳۵۶ پس از قبولی در آزمون اعزام دانشجویان به خارج، به فرانسه رفتم به جنوب فرانسه شهر بندری مون‌پلیه به محض ورود به پاریس روزنامه لوموند خریدم و مشغول خواندن شدم تا رسیدن به مون‌پلیه، زبان را در ایران آموخته بودم و مشکل زبان نداشتم. در دانشگاه مون‌پلیه در رشته علوم سیاسی در مقطع دکترایثت نام کردم و در آزمون ورودی قبول شدم فقط من ۲۱ ساله بودم و بار اول بود که شرکت می‌کردم، سایرین در سن بالا و برای بار چندم این آزمون را شرکت کرده بودند و به همین دلیل همه فکر می‌کردند پسر یک پورژوای تهرانی هستم که پسرش را برای درس به فرانسه فرستاده است. شهر بندری مون‌پلیه شهر دانشجویی بود و کار فراوان، همزمان با تحصیل کار می‌کردم که از پس مخارج زندگی‌ام بریایم. موفق به فارغ‌التحصیلی در این رشته شدم و پایان‌نامه‌ام را با «موسیو ژرژد و مولیه» دفاع کردم و پس از اخذ اولین دکترای به پاریس آمدم.

در پاریس در رشته‌ی حقوق عمومی در مقطع دکترا در دانشگاه پاریس ۸ ثبت نام کردم. دوران تحصیل و زندگی‌ام در پاریس، دوران بسیار طولانی و پر از سفر و کار بود. به بسیاری از کشورهای جهان سفر کردم (اسپانیا، ایتالیا، یونان، هلند، بلژیک، فنلاند، آلمان، انگلیس و ...) و با مردمان، زندگی و آداب و رسوم آن سوی جهان آشنا شدم. در آن زمان در دانشگاه تدریس هم می‌کردم، همان دانشگاه پاریس ۸ دروس حقوق عمومی که بعد از دفاع پایان‌نامه به راهنمای استادم خانم دکتر (مادام فرانسین دمیشل) همچنان به تدریس در همان دانشگاه ادامه دادم، ۱۵ ترم تدریس کردم دوران بسیار پرباری بود. تدریس حقوق به زبان فرانسه، و دفاع دو پایان‌نامه دکترا، زبان فرانسه‌ام را بسیار قوی کرده بود. در آن دوران به یادگیری زبان اسپانیایی و زبان روسی مشغول شدم، علاقه‌ام به یادگیری زبان تمام نشدنی بود.

پس از سال‌ها زندگی در فرانسه، سرانجام بعد از ۲۳ سال در سال ۱۳۷۸ به ایران بازگشتم. در دانشگاه‌های تهران، شیراز و اهواز، تقاضای تدریس در دانشگاه دادم و در هر سه جا موافقت شد. اما انتخاب من اهواز بود. در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه شهید چمران اهواز در پایه‌ی استادیار شروع به کار کردم، این بار تدریس در رشته‌ی حقوق به زبان فارسی تجربه‌ای دیگر بود. رشته‌ی حقوق در دانشگاه اهواز تازه تأسیس بود و من به عنوان اولین دکتر به استخدام درآمدم و مدت ۲۲ سال در این دانشکده به تدریس در دو رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس کردم. در این سالها، به مدت ۴ سال مدیریت گروه حقوق را به عهده داشتم و به مدت ۲ سال معاونت آموزشی دانشکده را عهده‌دار بودم و همچنین ۸ سال مشاور حقوقی دانشجویان شاهد را به عهده گرفتم. کتاب «نهادهای سیاسی و حقوق اساسی» به نویسندگی "فیلیپ اردان" را از زبان فرانسه به

فارسی ترجمه کردم در ۱۰۰۰ صفحه که توسط انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز منتشر شد که در مقطع ارشد در همین دانشگاه به عنوان منبع تدریس می‌شد.

با همسرم خانم شهناز عامریان در سال ۱۳۷۳ در پاریس ازدواج کردم که در حال حاضر دبیر هستند و مشغول تحصیل در مقطع ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی می‌باشد. دارای دو فرزند هستم (پسر و دختر) که هر دو دانش‌آموز مدارس تیزهوشان بودند. امین در رشته مهندسی برق دانشگاه امیرکبیر تهران پذیرفته و پس از فارغ‌التحصیلی موفق به کسب بورس تحصیلی از دانشگاه کنکور دیا کانادا در رشته هوش مصنوعی شد و پس از فارغ‌التحصیلی، در حال حاضر در همان‌جا مشغول به کار می‌باشد. نینا در رشته‌ی مهندسی معماری دانشگاه شیراز پذیرفته شد که پس از اتمام تحصیلاتش، موفق به دریافت پذیرش تحصیلی از دانشگاه آمستردام هلند در رشته‌ی باستان‌شناسی شد. هم‌اکنون مشغول به تحصیل می‌باشد.